

حج بانوان: ادای حج یا عمره توسط زنان و دختران

بر پایه فقه اسلامی، حج بر زنان -همانند مردان- واجب است و شرایط استطاعت و وجوب حج برای زنان همان شرایط حج مردان است؛ البته برخی فقهاء شرایط دیگری برای وجوب حج بر زنان افزوده‌اند. (← استطاعت بانوان) بانوان، به سبب ویژگی‌ها و شرایط خاصی که دارند، در برخی احکام حج با مردان تفاوت دارند. (← احکام حج بانوان) از این رو، دانستن احکام ویژه بانوان در حج، خصوصاً برای زنان، اهمیت و ضرورت دارد. در این مقاله، احکام اختصاصی حج بانوان مورد بحث قرار می‌گیرد و به مباحث عمومی و کلی حج بانوان که مشترک با مردان است، پرداخته نمی‌شود.

در منابع فقهی، مباحث مربوط به حج بانوان، بیشتر در مبحث حج و گاه در مباحثی چون طهارت ذکر شده است. برخی فقیهان نیز بایی جداگانه از مبحث حج را به احکام بانوان اختصاص داده و در آن، ضمن تأکید بر برخی احکام مشترک میان زن و مرد (مانند اصل وجوب حج)، مهم‌ترین احکام اختصاصی حج و عمره زنان را گردآورده‌اند.^۱ همچنین در

صفوة السقا، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق؛ مجمع البيان في تفسير القرآن: الفضل بن الحسن الطبرسي (٤٦٨-٤٥٤ق)، به کوشش محمد جواد بالغی (١٨٦٤-١٩٣٣م)، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ١٣٧٢ش؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد: على بن أبي بكر الهشمي (٧٠٤-٨٠٧م)، بیروت، دار الكتاب العربي، ١٤٠٨ق؛ المجموع شرح المهدب: يحيى بن شرف النووى (٦٣١-٧٦٤ق)، بیروت، دار الفكر؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: حسين نوري (١٣٢٠م)، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ١٤٠٨ق؛ مسند الامام احمد بن حنبل: احمد بن حنبل (٢٤١م-١٣٢٠ق)، بیروت، دار الصادر، بیتا؛ المعجم الكبير: سليمان بن احمد الطبراني (٣٦٠-٢٦٠ق)، به کوشش حمدی عبدالمجید السلفي، بیروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٥ق؛ من لا يحضره الفقيه: محمد بن علي بن بابويه (شیخ صدوق) (٣٨١-٣١١ق)، تحقيق و تصحيح على اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ١٤٠٤ق؛ نهج البلاغه: شریف الرضی (٤٠٦م-٤٠٤ق)، شرح صبحی صالح، قم، دار الاسوه، ١٤١٥ق؛ السوافی: محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی (١٠٠٦-١٩١ق)، تحقیق ضیاء الدین حسینی و کمال الدین فقیه ایمانی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین، ١٤٠٦ق؛ وسائل الشیعه (تفصیل وسائل الشیعه) تحقیق ضیاء الدین حسینی و کمال الدین فقیه ایمانی، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین، ١٤٠٦ق؛ وسائل الشیعه (تفصیل وسائل الشیعه): محمد بن الحسن الحر العاملی (١٣٣-١١٠٤ق)، به کوشش عبدالرحیم ربائی شیرازی، بیروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٣ق.

محمود گودرزی



^۱. المبسوط في فقه الإمامية، ج١، ص٣٣-٣٣٢؛ السرائر، ج١، ص٨٥-٨٢٥؛ تحریر الأحكام، ج٢، ص٢١-٢٥.

مناسک مختلف آن، به ویژه در هنگام طوفا، همان گونه که نژادها و سرزمین‌ها، همه رنگ می‌باشد، زن بودن و مرد بودن نیز به رغم مرزهای شرعی و حقوقی خویش، به جز حدّ واجب حجاب، از میان می‌رود و حتی تقدّم و تأثّرها بی‌که در دیگر عبادات رخ می‌نماید، در حج کمرنگ می‌شود؛ تا جایی که اساساً یکی از وجوده نامگذاری ممکن است «بگه» که در قرآن نیز به همین نام از آن یاد شده (آل عمران: ٩٦، ٣)، ناشی از همین ویژگی شمرده شده است.^٤

فقیهان امامی^٥ و اهل سنت^٦، به استناد آیات، احادیث و اجماع^٧، قائلند که هر کس شرایط وحوب را داشته باشد، چه زن، چه مرد و چه خنشا، حج بر او واجب می‌شود و احکام اختصاصی و متفاوت هر یک از زن و مرد در برخی مسائل، به عنوان استثناء مطرح شده است. این احکام اختصاصی را می‌توان در دو بخش کلی دسته‌بندی کرد: بخشی که مربوط به پیش از حج و شرایط مستطیع شدن زن است و بخشی که مربوط به اعمال و مناسک حج است.

این زمینه، می‌توان به کتاب احکام النساء شیخ مفید اشاره کرد که با بی از آن، به احکام حج و عمره بانوان اختصاص داده شده است. از تک نگاری‌های مربوط به این موضوع نیز می‌توان از دو کتاب مناسک حج (ویژه بانوان) و مناسک عمره مفترضه (ویژه بانوان) نوشه محمدحسین فلاج‌زاده یاد کرد.

﴿ وجوب حج بر بانوان: از منظر فقه اسلامی، تکلیف به حج به طور یکسان متوجه زنان و مردان است؟ زیرا حج یکی از پایه‌ها و اركان دین اسلام است و قرآن، تعییر عام «الناس» را برای بیان مخاطبان وجوب حج به کار برد است: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ (آل عمران: ٩٧، ٣). از این رو بر هر کسی که توانایی انجام آن را داشته باشد-اعم از زن و مرد-واجب می‌شود.^٨
در احادیث نیز، ادای حج و عمره برای زن، به منزله جهاد در راه خدا دانسته شده است.^٩
در واقع، وجوب حج بر زنان موجب پدید آمدن فرصتی یکسان برای زنان و مردان است تا همگی، به یکی از بازترین نمودهای بندگی و پرستش خداوند پردازند. در حج و

٤. الكافي، ج ٤، ص ٥٢٦.

٥. الكافي في الفقه، ص ١٩٢؛ الحدائق الناصرة، ج ١، ص ١٢٧؛

جواهر الكلام، ج ١٨، ص ٤٥.

٦. الحاوي الكبير، ج ٤، ص ٩٢.

٧. جواهر الكلام، ج ١٧، ص ٢٢٠، ٣٣٠.

٨. المبسط في فقه الإمامية، ج ١، ص ٣٣٠.

٩. السراج، ج ١، ص ٥٢١.

١٠. مسن الإمام أحمد بن حنبل، ج ٦، ص ٧٥؛ سنن ابن ماجه، ج ٢،

ص ٩٦٨؛ سنن الدارقطني، ج ٢، ص ٢٤٩.

این حج مجزی از حجۃ الاسلام خواهد بود.^۳

(← حج بذلی^{*})

▼ **نفقة زن:** هر چند هزینه سفر حج زن - چه واجب و چه مستحب - بر عهده شوهر نیست، ولی فقها تصریح کرده‌اند در مدتی که زن در سفر حج است، چه واجب - حتی اگر اجازه نگرفته باشد - و چه مستحب - اگر با اذن شوهر باشد - معادل نفقة او، اگر در مسافت نبود، بر عهده شوهر است.^۴ در واقع تنها به اندازه تفاوت هزینه سفر و حضر بر عهده خود زن است و اگر تفاوت نداشته باشد، همه بر عهده شوهر است. از این رو به تصریح فقها گاه ممکن است زن بدون این که خود سرمایه‌ای داشته باشد، مستطیع گردد.^۵

▼ **مهریه:** به نظر فقیهان، زنی که مهریه او به مقدار هزینه حج یا بیشتر از آن است یا هزینه حج او را کامل می‌کند، در صورتی که شوهرش توانایی پرداخت مهریه را ندارد، زن حق مطالبه مهریه را ندارد و مستطیع به شمار نمی‌رود. ولی اگر شوهر توانایی پرداخت مهریه را دارد و تقاضای مهر از شوهر، موجب بروز ناراحتی و مشکلات در زندگی نشود و

۳. مناسک حج، محسنی، ص ۳۳.

۴. السرایر، ج ۱، ص ۶۲۲.

۵. السرایر، ج ۱، ص ۶۲۲؛ الجامع للشرائع، ص ۲۲۱؛ تذكرة الفقهاء،

ج ۱، ص ۴۱۷.

◀ **استطاعت بانوان:** به طور کلی، شرایط استطاعت و وجوب حج برای بانوان همان شرایط وجوه و استطاعت برای مردان است.^۱ با این حال، زنان در این زمینه احکام ویژه‌ای دارند. مهم‌ترین این احکام عبارتند از:

▼ **هزینه حج:** بنا بر نظر فقیهان، هزینه سفر حج زن بر عهده خود اوست و زنی که خودش هزینه حج را دارد یا با کسب می‌تواند هزینه خویش را به دست آورد، مستطیع محسوب می‌شود و باید در نخستین فرصت حج را به جا آورد. حتی اگر به سبب حج رفتن این زن، شوهر او برای مخارج زندگی به زحمت می‌افتد، در صورتی که به زحمت افتادن شوهره موجب اختلال در زندگی زن نباشد، مستطیع است و باید به حج ببرد و به زحمت افتادن شوهر، مانع استطاعت زن نمی‌شود.^۲ ولی زنی که خودش هزینه حج (یا بخشی از آن) را ندارد، اما شوهر یا پدر او یا شخص دیگر هزینه حج او (یا کمی‌بود آن) را متنقل شود یا او را به حج ببرد و هزینه او را هم پردازد، چنانچه به گفته او اطمینان داشته باشد، واجب است قبول کند و به حج ببرد و

۱. السرایر، ج ۱، ص ۶۲۱.

۲. مناسک حج، محسنی، ص ۴۳.

بازگشت از حج، راه درآمدی داشته باشد، به گونه‌ای که برای زندگانی به سختی و حرج نیفتد) برای آنان محقق است و به بیش از آن نیازی نیست.^۳ ولی زنی که افرادی را تحت تکفل دارد و هزینه زندگی آن‌ها بر عهده اوست، مثل زنی که همسرش از دنیا رفته و او مخارج فرزندانش را عهده‌دار است، در صورتی مستطیع است که علاوه بر هزینه حج و احتیاجات زندگی، مخارج افراد تحت تکفل خود را، تا برگشت از حج، داشته باشد. همچنین زنی که شوهرش از دنیا رفته و اموالی از ارث به او رسیده که به مقدار هزینه حج است، در صورتی مستطیع است که راه درآمدی پس از بازگشت از سفر حج داشته باشد. البته اگر به سبب حج رفتن از غنا به فقر می‌افتد، حج بر او واجب نیست.^۴

اذن شوهر: به نظر فقیهان امامی^۵ و شماری از فقیهان اهل سنت^۶، به استناد احادیث^۷، حج واجب، مشروط به اذن کسی از جمله شوهر نیست و حتی اگر شوهر اذن ندهد، زن باید به حج برود و شوهر نیز حق

او حاضر به پرداخت آن باشد، مستطیع محسوب می‌شود و مطالبه مهر، نه تنها مانع ندارد، بلکه لازم است. ولی اگر تقاضای مهریه برای زن موجب مشکلاتی در زندگی شود، مطالبه آن لازم نیست و استطاعت حاصل نمی‌شود. همچنین اگر مردی، به هر علتی، مهریه همسرش را پردازد، حج بر زن واجب نمی‌شود و با ترک آن، حج بر او مستقر نمی‌شود. ولی اگر مرد، حاضر به پرداخت بوده و زن مطالبه نکرده باشد، حج بر عهده زن مستقر می‌گردد.^۸

▼ وعده ضمن عقد: بنا بر نظر فقهاء، اگر مردی ضمن عقد ازدواج، به همسرش وعده سفر حج داده باشد، صرف وعده، موجب استطاعت زن نمی‌شود. ولی بر شوهرش لازم است به وعده‌اش وفا کند و حکم مطالبه آن، با فرض این که استحقاق مطالبه کردن ثابت شده باشد، مانند مهریه است.^۹

▼ رجوع به کفایت: به نظر فقیهان، در مورد بانوان شوهردار که تحت تکفل شوهر خود هستند و هزینه زندگی آنان بر عهده شوهر است، داشتن راه درآمد شرط نیست و «رجوع به کفایت» (یعنی این که پس از

۱. مناسک حج و عمره، بهجت، ص ۴۱-۴۰؛ ۲. مناسک حج و عمره، بهجت،

ص ۴۵-۴۶.

۳. مناسک حج و عمره، بهجت، ص ۴۵-۴۶.

۴. مناسک حج، محسنی، ص ۳۶-۳۵.

۵. المبسوط فی فقہ الامامیه، ج ۱، ص ۳۳۰؛ تذكرة الفقهاء، ج ۷،

ص ۱۴۵؛ الحدائق الناصره، ج ۱، ص ۴۵-۴۶.

۶. علی الكافی فی فقہ الإمام أحمد، ج ۱، ص ۴۷۰.

۷. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۰۰.

زن، مشروط به اذن شوهر اوست و اگر شوهرش اجازه ندهد و او به حج برود، معصیت کرده و باید نمازهایش را تمام بخواند و استحقاق نفقه را هم ندارد.^۸ برخی فقهاء منظور از حق واجب شوهر را اعم از حق بهرهمندی جنسی دانسته‌اند. بنابر این تنها محدود به جایی نمی‌شود که عملاً این حق شوهر فوت شود، بلکه حتی اگر به دلیل بیماری یا مُحْرَم بودن یا در سفر بودن، شوهر امکان بهرهمندی عملی از آن را نداشته باشد، باز می‌تواند مانع حج استحبابی زن شود.^۹ هرچند برخی در این نظر مناقشه کرده‌اند.^{۱۰} به نظر فقیهان، به استناد احادیث، در تمامی احکام مذکور، زنی که در طلاق رجعی است و عده‌اش تمام نشده، مانند زن شوهردار است؛ زیرا در طلاق رجعی، مرد حق بازگشت و بهرهمندی از زن را دارد و حج، مانع این حق است.^{۱۱} ولی در عده طلاق بائی و نیز عده وفات، به حج رفتن خواه واجب و خواه مستحب. برای زن جایز است و نیازی به اجازه نیست.^{۱۲}

ندارد زن را از انجام حج واجب، منع کند. البته در صورت وسعت وقت، می‌تواند رفتن او را تا آخرین کاروان به تأخیر بیندازد. همچنین ادای حجی که به سبب نذر بر زن واجب شده باشد، منوط به اذن شوهر نیست. البته در صورتی که شرایط و جو布 نذر حاصل باشد.^۱ درباره شرایط نذر برای زن، بیشتر فقهاء بر آنند که زن شوهردار، باید برای نذر، از شوهر خود اجازه بگیرد و بدون اذن، نذر او صحیح نیست.^۲ اما برخی دیگر گفته‌اند که اگر نذر زن، مزاحم حق شوهر نباشد، اجازه لازم نیست. بر این اساس، زن می‌تواند برای ادای حج واجب (حجۃ الاسلام یا حج نذری)، بر خلاف رضایت شوهر، سفر کند؛ با این حال برای زن مستحب است از همسر خود اجازه بگیرد و رضایت او را جلب کند.^۳ به اجماع فقهاء امامی^۴ و اهل سنت^۵، به دلیل احادیث^۶ و تقدم حق واجب شوهر بر کار مستحب زن^۷، ادای حج استحبابی توسط

۱. تذكرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۲۱.

۲. المبسوط في فقه الإمامية، ج ۱، ص ۳۳۰؛ السرائر، ج ۱، ص ۶۲۱.

۳. المجموع، ج ۸، ص ۳۲۵؛ تذكرة الفقهاء، ج ۷، ص ۸۷.

۴. المبسوط في فقه الإمامية، ج ۱، ص ۳۳۰؛ مسالك الافتہام، ج ۲،

ص ۱۵۳؛ الحدائق الناضرة، ج ۱۴، ص ۱۴۵.

۵. المعني، ج ۳، ص ۳۰۲؛ المجموع، ج ۱، ص ۳۳۲.

۶. وسائل الشیعہ، ج ۸، ص ۱۱۰.

۷. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۹۱؛ المعني، ج ۳، ص ۱۶۵.

۸. الجامع للشرعی، ص ۲۲۱.

۹. جواهر الكلام، ج ۷، ص ۲۳۳-۲۳۴.

۱۰. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۹۱.

۱۱. مسالک الافتہام، ج ۲، ص ۱۵۴؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۹۲.

الحدائق الناضرة، ج ۱۴، ص ۱۴۶-۱۴۷.

۱۲. السرائر، ج ۱، ص ۶۲۲؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۹۳؛ الحدائق

الناضرة، ج ۱۴، ص ۱۴۷.

در مقابل، فقیهان حنبلی^٧ و حنفی^٨، وجود محرم را به طور مطلق (به نظر حنبلیان) یا در صورتی که فاصله زن تا مکه به اندازه سه روز باشد (به نظر حنفیان)، شرط استطاعت شمرده و تصريح کرده‌اند که از جمله شرایط وجوب حج بر زن، آن است که زن هر چند پیر باشد – با خود، مرد محرمی همراه داشته باشد؛ مانند پدر، برادر، شوهر، عمو و دایی و اگر واجد آنان نباشد، حج برای او واجب و حتی جایز نخواهد بود.^٩ این فقیهان، برای حکم یادشده، به احادیثی از پیامبر ﷺ استناد کرده‌اند که زنان را از رفتن به حج یا هر سفر دیگری، بدون حضور محرم، باز داشته است. همچنین آنان برای محرم شرایطی ذکر کرده‌اند؛ از جمله این که محرم باید مسلمان، بالغ و عاقل باشد.

استناد فقهای امامی برای عدم وجوب هماره محرم برای زن، عبارت است از:^{١٠}

الف) ظاهر آیه استطاعت (آل عمران/٣)،^{١١} که بر وجوب به مجرد استطاعت دلالت دارد و این که در احادیث، استطاعت به توشه

- ٧. المغنی، ج ٣، ص ١٩١؛ کشاف القناع، ج ٢، ص ٤٥٧.
- ٨. تحفة الفقها، ج ١، ص ٣٨٧-٣٨٨؛ بداع الصنائع، ج ٢، ص ١٢٣؛ البحر الرائق، ج ٢، ص ٥٥٢.
- ٩. تحفة الفقها، ج ١، ص ٣٨٨-٣٨٧؛ الشرح الكبير، ابن قدامه، ج ٣، ص ١٩٠.
- ١٠. غنية النزوع، ص ١٩٣؛ منتهي المطلب، ج ١٠، ص ١٠٨؛ مدارك الأحكام، ج ٧، ص ٨٩.

▼ وجود محرم: به نظر فقیهان امامی^١، شافعی^٢ و مالکی^٣، وجود «محرم» و امکان همراه داشتن او در سفر حج، شرط استطاعت و وجوب حج برای زن نیست؛ چه زن پیر باشد چه جوان، و چه ازدواج کرده باشد یا نکرده باشد؟^٤ زیرا شرایط وجوب حج برای زن و مرد یکسان است و آنچه در سفر حج ملاک اصلی است، داشتن امنیت و اطمینان به سلامت در سفر است.^٥ از این رو اگر زن بتواند به تنہایی به حج برود و بر خود نترسد، شرط نیست که محرمی همراه او باشد. اگر زن امنیت نداشته باشد و نتواند تنها به حج برود و نیازمند همراهی محرم باشد، واجب است یکی از محارم یا فرد مورد اطمینانی را همراه خود ببرد و اگر محرمی همراه او نشود، حج بر او واجب نخواهد بود؛^٦ زیرا بدون محرم، توان سفر حج را ندارد. بر این اساس، وجود محرم تنها در صورت نیاز، شرط استطاعت و وجوب حج خواهد بود.^٧

١. مسالک الافهام، ج ٢، ص ١٥٣؛ مدارك الأحكام، ج ٧، ص ٨٩.

٢. الحدائق الناضرة، ج ١٤، ص ١٤٣.

٣. المجموع، ج ٨، ص ٣٤٣.

٤. مواهب الجليل، ج ٣، ص ٤٤٧.

٥. مستمسك العروة الوثقى، ج ١٠، ص ٣٣٢-٣٣٣؛ مهذب الأحكام،

ج ١٢، ص ١٤٨.

٦. الميسوط في فقه الإمامية، ج ١، ص ٣٣٠؛ غنية النزوع، ص ١٩٣؛

مسالک الافهام، ج ٢، ص ١٥٣.

٧. مسالک الافهام، ج ٢، ص ١٥٣؛ مدارك الأحكام، ج ٧، ص ٨٩.

٨. الحدائق الناضرة، ج ٤، ص ١٤٣.

سفر محرم را ندارد، حج بر او واجب نمی‌شود.^۵ همچنین، به نظر فقیهان، همراهی زن بر محرام او واجب نیست^۶، اما مستحب است شوهر، برای کمک به زن، او را در سفر حج همراهی کند.^۷ نیز برخی فقهاء، به دست آوردن محرم (مثلاً با ازدواج کردن) را بر زن غیر واجب و برخی واجب دانسته‌اند.^۸ همچنین در مواردی که وجود محرم لازم باشد، شوهر مجاز است تا پیدا شدن و همراهی محرم، مانع سفر زن شود.^۹ اما در صورتی که شوهر مدعی ناامنی در سفر همسرش باشد و همراهی محرم را لازم بداند، ولی زن آن را انکار کند، باید به بینه یا قرائنه موجود عمل کرد و در صورت فقدان، حرف زن مقدم است.^{۱۰} همچنین اگر زن، به رغم ناامنی سفر و نیاز به همراهی محرم، بدون محرم به حج برود، فقهاء حج او را صحیح و مجزی دانسته‌اند.^{۱۱}

^۵. مستمسک العروة الوثقى، ج ۱۰، ص ۲۲۲-۳۳۳؛ مناسك حج و عمره، بهجهت، ص ۴۶-۴۵.

^۶. ع رسالات الافهام، ج ۲، ص ۱۵۳.

^۷. المسوط فى فقه الإمامية، ج ۱، ص ۳۳-۳۳۲؛ مستمسک العروة الوثقى،

^۸. جواهر الكلام، ج ۱۷، ص ۳۳۱-۳۳۲؛ مسالك الإمامية، ج ۱۰، ص ۲۲۳-۲۳۴.

^۹. مجمع الفائدة والبرهان، ج ۶، ص ۱۰۷-۱۰۸.

^{۱۰}. مسالك الإمامية، ج ۲، ص ۱۵۳؛ الحدائق الناصرة، ج ۱۴، ص ۴۵؛ جواهر الكلام، ج ۷، ص ۳۳۱-۳۳۲.

^{۱۱}. مستمسک العروة الوثقى، ج ۱۰، ص ۲۲۵-۲۳۶؛ مهذب الأحكام، ج ۱۲، ص ۱۴۹-۱۵۱.

و مرکب سفر تفسیر شده است.

ب) عموم روایاتی که بر وجوب حج و ترغیب به آن و هشدار نسبت به ترک آن دلالت دارد و وجوب حج را بر زنان مشروط به وجود محرم نکرده است.^۱

ج) برخی احادیث خاص که حج رفتن زن را به تنها یا همراه با افراد ثقه و مورد اطمینان جائز دانسته است.^۲

با این حال، برخی فقیهان امامی، به استناد برخی احادیث دیگر^۳، این احتمال را نیز مطرح کرده‌اند که اگر زن، خود مورد اطمینان نباشد و نسبت به هتك حرمت او نیز نگرانی وجود داشته باشد، همراهی محرم برای او شرط باشد؛ زیرا حفظ ناموس و آبرو واجب است. به نظر فقیهان، در مواردی که همراهی محرم لازم است، بر زن واجب است که محرمی همراه خود ببرد؛ هرچند مستلزم هزینه اضافی باشد و هزینه همراهی نیز جزء مخارج حج و در مجموعه شرایط استطاعت به شمار می‌رود^۴ و اگر زن قدرت بر پرداخت هزینه

^۱. تهذیب الأحكام، ج ۵، ص ۱-۴۰.

^۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۴۳۹؛ تهذیب الأحكام، ج ۵،

ص ۱-۴۰.

^۳. وسائل الشيعة، ج ۸، ص ۱۰۹.

^۴. مسالك الإمامية، ج ۲، ص ۱۵۳؛ الحدائق الناصرة، ج ۱۴، ص ۱۴۵؛

مجمع الفائدة والبرهان، ج ۶، ص ۱۰۷-۱۰۸.

محرم شوند. ولی نباید در مسجد توقف کنند. البته اگر نتوانند در حال عبور از مسجد شجره محرم شوند و نمی‌توانند تا وقت پاک شدن صبر کنند، احتیاط آن است که نزدیک مسجد مُحرم شوند و در جُحْفَه یا مُحاذِي آن احرام را تجدید کنند.

اگر زنِ دارای عذر، به گمان این که احرام بستن برای او منوع است، بدون احرام از میقات عبور کند، باید در صورت امکان برگردد و از میقات احرام بیند و در غیر این صورت، اگر وارد حرم نشده، از همان محل و اگر وارد حرم شده، باید به بیرون از حرم بازگردد و اگر این هم برای او امکان ندارد، از همان جا مُحرم شود.^۱ زن مستحاصه هم باید داخل مسجد شجره محرم شود و رفتن او به مسجد جایز است. غسل مستحبی زن حائض، نساء و مستحاصه قبل از ورود به مسجد صحیح است؟ حتی برخی این استحباب را برای این زنان بیشتر از دیگران داشته‌اند.^۲

● **نیت احرام:** در صورتی که زن، در میقات حائض باشد و بداند که تا پایان وقت عمره تمتع پاک نمی‌شود، به نظر برخی

◀ **احكام حج بانوان:** احکام اختصاصی مربوط به مناسک حج بانوان را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم کرد: بیشتر این احکام، احکامی عمومی است که مربوط به تمامی بانوان در شرایط مختلف است و پاره‌ای از آنها، مسائلی است که تنها در موقع اضطراری و موقعیت‌های استثنایی و برای گروهی از زنان (مانند زنان دارای عذر در ایام عادت ماهانه) رخ می‌دهد؛ از جمله احکام مربوط به محل احرام، نیت و طواف. مهم‌ترین احکام ویژه بانوان در حج و عمره عبارتند از:

▼ **احرام:** احکام و شرایط احرام بانوان همان شرایط و احکام احرام مردان است؛ جز در برخی موارد که تفاوت‌هایی میان آنان وجود دارد؛ از جمله:

● **محل احرام:** به نظر برخی فقیهان امامی، حج گزارانی که از مدینه به مکه می‌روند، باید داخل مسجد شجره مُحرم شوند و احرام در خارج مسجد، هرچند نزدیک آن باشد، صحیح نیست. اما از آن جا که ورود به مسجد، برای بانوان دارای عذر (شامل زن حائض، نیزی زنی که در ایام عادت ماهانه است و زن نَفساء یعنی زنی که پس از زایمان خون می‌بیند) جایز نیست، آنان یا باید با نذر پیش از میقات (مثلاً در مدینه) محروم شوند یا اگر با نذر محروم نشده‌اند، باید در حال عبور از مسجد

۱. المبسوط فی فقه الامامیه، ج، ص: ٣٣٠؛ السراشر، ج، ص: ٦٢٢-٦٢٣؛ الجامع للشرائع، ص: ٢٢١.

۲. السراشر، ج، ص: ٦٢٢.

۳. المغنی، ج، ص: ٢٦١.

عنوان لباس احرام چنان که بر مردان واجب است - لازم نیست و زنان می‌توانند در همان لباسی که بر تن دارند، در صورتی که دارای شرایط باشد، مُحْرَم شوند. برخی نیز پوشیدن لباس احرام را برای زنان مستحب دانسته‌اند.^۴ افرون بر اینها، برخی بر آئند که لباس احرام زن نباید از حریر خالص باشد. نیز پوشیدن لباس رنگی برای زن احرام گزار مکروه و انتخاب رنگ سفید برای لباس احرام او بهتر است.^۵

● **تلیه:** از واجبات احرام، تلیه (لیک گفتن) است و از مستحبات تلیه، به نظر فقیهان امامی^۶ و اهل سنت^۷، به استناد احادیث^۸، بلند کردن صدا هنگام لیک گفتن است؛ حتی محدودی از فقیهان، قائل به وجوب آن شده‌اند.^۹ (← تلیه^{۱۰}) اما استحباب بلند گفتن تلیه اختصاص به مردان دارد و فقهای

فقهان، باید به نیت حج افراد محروم شود؛ یعنی با همان احرام به عرفات بروند و وقوف به عرفات و مشعر و اعمال منا را انجام دهد و پس از پاک شدن، طواف و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را به جا آورند. سپس برای انجام عمره مفرد به خارج حرم (مثلاً تعیم) بروند و در آن جا محروم شود و اعمال عمره مفرد را به جا آورند. ولی برخی دیگر گفته‌اند که چون این یقین، بر حسب عادت است و امکان دارد برخلاف عادت پاک شود، احتیاط آن است که در وقت احرام قصد کند: «حرم می‌شوم به احرامی که بر من واجب است از عمره تمتع با حج افراد». پس اگر پیش از گذشتن وقت عمره پاک شد، اعمال عمره را تمام کند و مُحِل شود و بعد اعمال حج را به جا آورد و حج تمتع او صحیح است و اگر پاک نشد، به همان احرام، اعمال حج افراد را به جا آورد و بعد عمره مفرد به جا آورده و حج افراد او صحیح است.^{۱۱}

● **لباس احرام:** به نظر فقیهان^{۱۲} و به دلیل احادیث^{۱۳} بر بانوان پوشیدن لباس خاصی به

^۴. المبسوط في فقه الإمامية، ج ۱، ص ۳۱۹-۳۲۰؛ مناسك حج، محسني، ص ۵۳۸-۵۳۹.

^۵. المبسوط في فقه الإمامية، ج ۱، ص ۳۱۹-۳۲۰؛ مناسك حج، محسني، ص ۵۳۸-۵۳۹.

^۶. السرائر، ج ۱، ص ۵۳۶؛ مستند الشيعه، ج ۱۱، ص ۵۳۱؛ جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۲۷۲.

^۷. المبسوط، سرخی، ج ۴، ص ۶۶؛ فتح العزیز، ج ۷، ص ۲۶۲؛ کشف النقاع، ج ۲، ص ۴۸۷.

^۸. سنن النسائي، ج ۵، ص ۱۶۲؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۲۶؛ تهذيب الأحكام، ج ۵، ص ۹۲.

^۹. تهذيب الأحكام، ج ۵، ص ۹۲؛ نسخ: جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۲۷۲.

^{۱۱}. مناسك حج، محسني، ص ۱۱۸.

^{۱۲}. مناسك حج، محسني، ص ۵۳۹-۵۴۰.

^{۱۳}. الكافي، ج ۴، ص ۳۴۴؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۴۰؛ تهذيب الأحكام، ج ۵، ص ۷۳-۷۴.

پوشیدن لباس ابریشمی^{۱۰}، پوشاندن سر^{۱۱}، پوشاندن پا^{۱۲} و زیر سایه رفتن (استظلال)^{۱۳}. از این روزن احرام گزار می‌تواند با وسیله نقلیه سقف‌دار یا با قرار دادن چتری بر سر، به طرف مکه رود، اما این کار برای مرد جایز نیست. البته برخی فقیهان خودداری زنان از استظلال را مستحب شمرده‌اند.^{۱۴} همچنین برخی فقهاء پوشیدن لباس ابریشمی را برای زن منسوج^{۱۵} و برخی مکروه دانسته‌اند.^{۱۶} حتی پاره‌ای از محرمات ویژه مردان، گاه برای زنان واجب است؛ مانند پوشاندن سر و پوشاندن پا در برابر نامحرم.^{۱۷} البته شماری از فقهاء^{۱۸}، با استناد به اطلاق احادیث^{۱۹} و نیز قاعده اشتراک زن و

۱۰. احکام النساء، ص ۲۵.

۱۱. المبسوط فی فقہ الامامیہ، ج ۱، ص ۳۲۰.

۱۲. السرائر، ج ۱، ص ۵۴۴-۵۴۳؛ مجمع الفائدة و البرهان، ج ۶

ص ۱۵۳.

۱۳. ریاض المسائل، ج ۶، ص ۳۳۲؛ مستند الشیعیه، ج ۱۲، ص ۲۹

الشرح الكبير، ج ۲، ص ۵۵.

۱۴. المبسوط فی فقہ الامامیہ، ج ۱، ص ۳۲۱.

۱۵. المقنعه، ص ۳۹۶؛ الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۳۷۶.

۱۶. تذكرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۰.

۱۷. المبسوط فی فقہ الامامیہ، ج ۱، ص ۳۳۱؛ السرائر، ج ۱

ص ۴۲۴.

۱۸. المبسوط فی فقہ الامامیہ، ج ۱، ص ۳۳۰؛ قواعد الاحکام، ج ۱

ص ۴۲۴.

۱۹. کشف اللثام، ج ۵، ص ۳۸۲.

امامی^۱ و اهل سنت^۲، به استناد احادیث^۳، زنان را مشمول آن ندانسته‌اند. بلکه حتی آهسته گفتن تلیه را برای آنان مستحب شمرده‌اند^۴؛ زیرا آهسته گفتن، با اصل پوشیدگی درباره زنان متناسب‌تر است.^۵ از این رو برخی فقیهان اهل سنت گفته‌اند که بلند گفتن تلیه برای زن، به اندازه‌ای که تنها خودش بشنود، جایز است.^۶ همچنین از مستحبات تلیه، تکرار آن در حال احرام است. به تصریح فقیهان، تکرار تلیه برای زن حافظ و نساء نیز مستحب است.^۷

▼ محرمات احرام: بیشتر محرمات احرام، برای زنان و مردان، مشترک است. برخی از آنها ویژه مردان است و برای زنان جایز شمرده شده است^۸؛ مانند پوشیدن لباس دوخته،

۱. المبسوط فی فقہ الامامیہ، ج ۱، ص ۳۳۱؛ غنیة النزوع، ص ۱۹۳؛

الحدائق الناضرة، ج ۱۵، ص ۵۶.

۲. فتح العزیز، ج ۷، ص ۲۶۳؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰۲؛ حاشیة

رد المحتار، ج ۸، ص ۵۴۱.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۴۰۵.

۴. متنہی المطلب، ج ۱۰، ص ۲۹۵.

۵. جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۲۷۲.

۶. المغنی، ج ۲، ص ۲۵۷، ج ۳، ص ۳۱۰.

۷. مناسک حج و عمره، بهجت، ص ۲۱۸-۲۱۹.

۸. المبسوط فی فقہ الامامیہ، ج ۱، ص ۳۳۱؛ الحدائق الناضرة،

ج ۱۵، ص ۴۸۳-۴۸۴؛ جواهر الكلام، ج ۱۷، ص ۳۹۴.

۹. المبسوط فی فقہ الامامیہ، ج ۱، ص ۳۳۱؛ الجامع للشرائع،

ص ۹۲؛ الحاوی الكبير، ج ۴، ص ۲۲۲.

وضو شسته می شود، باز باشد.^٧

به نظر برخی فقهاء، پوشاندن بخشی از صورت نیز حکم تمام صورت را دارد و زن در حال احرام، نباید آن را پوشاند. ولی به نظر برخی دیگر، پوشاندن بخشی از صورت، به طوری که به آن نقاب و برقع نگویند، جایز است.^٨ به نظر بیشتر فقهیان، پوشاندن صورت توسط زن احرام گزار، موجب کفاره نیست. ولی برخی فقهیان آن را مستلزم وجوب کفاره قبیلی کردن گویند^٩ (قبیلی کردن گویند) دانسته‌اند.

همچنین فقهای امامی^{١٠} و اهل سنت^{١١}، به استناد احادیث، چند مورد را از حکم کلی پوشاندن صورت استثناء کردند و جایز شمرده‌اند: «گذاشتن صورت روی بالش برای خوایدن؛ گذاشتن دستها بر روی صورت، پایین انداختن چادر یا جامه‌ای که بر سر افکنده تا مقابل چانه، برای حفظ پوشش در مقابل نامحرم». (← پوشاندن صورت^{*})

٧. المبسوط فی فقہ الامامیه، ج١، ص٣٢٠؛ الحاوی الکبیر، ج٤، ص٩٣.

٨. الحاوی الکبیر، ج٤، ص٩٣؛ مناسک حج، محسنی، ص١٨٦.

٩. المبسوط فی فقہ الامامیه، ج١، ص٣٢٠؛ الحاوی الکبیر، ج٤، ص٩٣-٩٢.

١٠. جواهر الکلام، ج١٨، ص٣٩١-٣٩٤؛ مناسک حج، محسنی، ص١٨٧.

١١. الحاوی الکبیر، ج٤، ص٩٣.

مرد در احکام^١، بر آنند که پوشاندن پا بر زن احرام گزار نیز حرام است. ولی فقهیان دیگر، احادیث دال بر حرمت پوشاندن پا را مختص به احرام گزار مرد دانسته و قائل به تقيید اين احادیث به احادیث دیگری^٢ که احرام زن را در هر لباسی جایز شمرده، هستند.^٣
(← پوشاندن پا^{*})

مواردی از محرمات احرام نیز ویژه بانوان است؛ از جمله:

● **پوشاندن صورت:** به اتفاق فقهیان امامی^٤ و اهل سنت^٥، به استناد احادیث^٦، برای زن پوشاندن صورت در حال احرام حرام است. در حالی که برای مرد پوشاندن سر حرمت دارد. بنابر این زن احرام گزار نباید صورت خود را با نقاب یا روبند و مانند اینها بیوشاند و صورت او باید به مقداری که در

١. جواهر الکلام، ج١٨، ص٣٥٠.

٢. الكافی، ج٤، ص٣٤؛ من لا يحضره الفقيه، ج٢، ص٣٤٠.

٣. تهذیب الاحکام، ج٥، ص٧٢-٧٤.

٤. مجمع الفائده ج٦، ص٢٥٩؛ الدروس ج١، ص٣٧٧؛ المعتمد ج٤،

ص١٥٣.

٥. المبسوط فی فقہ الامامیه، ج١، ص٣٢٠؛ الحدائق

الناخرة، ج١٥، ص١٢٩-١٣٢؛ جواهر الکلام، ج١٨،

ص٣٩٤-٣٨٩.

٦. الحاوی الکبیر، ج٤، ص٩٣-٩٢؛ المبسوط، سرحی، ج٤،

ص٣٣.

٧. الكافی، ج٤، ص٣٤٦؛ السنن البیهقی، ج٥، ص٤٧.

که مصدقاق پوشیدن لباس دوخته به شمار رود. در حالی که پوشاندن دست با دستکش برای زنان، مستقل‌اً از محرمات احرام شمرده شده است. فقهیان اهل سنت^۱ و برخی فقهیان امامی^{۱۱}، پوشیدن دستکش را برای زن مستلزم واجب کفاره دانسته‌اند. به نظر فقهاء، پوشاندن دست با پوشش دیگری جز دستکش حرام نیست.^{۱۲} (← پوشاندن دست^{*})

از دیگر محرمات احرام، انگشت‌به دست کردن و کاربرد زیورآلات برای زینت است. البته انگشت و زیورهایی که زن قبلًا استفاده می‌کرده، لازم نیست برای احرام از تن بیرون آورد. ولی به تصریح فقهیان باید آنها را به مرد نشان دهد؛ حتی به شوهر خودش یا سایر مردانی که با او محرم‌اند.^{۱۳}

▼ طواف و نماز آن: از آن‌جا که میان اعمال حج و عمره، تنها طواف و نماز طواف است که نیاز به طهارت دارد، زنانی که در ایام حج دچار حیض یا نفاس می‌شوند، هر چند در سایر اعمال مانند احرام، سعی، وقوف، قربانی،

● پوشاندن دست: به نظر فقهیان امامی^۱، مالکی^۲، حنبلی^۳ و شافعی^۴ پوشاندن دست با دستکش در حال احرام، به استناد احادیث^۵، برای زنان جائز نیست و اگر زنی قبل از احرام دستکش به دست داشته باشد، هنگام احرام باید آنها را از دست درآورد. در مقابل، فقهیان حنفی، به استناد حدیث نبوی^۶ و عمل صحابه^۷، پوشاندن دست را با دستکش حرام نشمرده‌اند.^۸ البته پوشیدن دستکش برای مردان نیز از این نظر که پوشیدن لباس دوخته به شمار می‌رود، حرام است.^۹ در واقع، آنچه بر احرام گزار مرد حرمت دارد، پوشاندنی است

۱. المبسوط في فقه الإمامية، ج ۱، ص ۳۲۰؛ السراج، ج ۱، ص ۵۴۴؛ المعتمد، ج ۴، ص ۱۴۲.

۲. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۵۹؛ المؤطا، ج ۱، ص ۳۲۸؛ موهاب الجليل، ج ۴، ص ۲۰۲.

۳. المغنی، ج ۳، ص ۳۰۸-۳۰۹؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۷۳، ۵۲۰. ۵۲۱.

۴. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۵۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۶۸. ۳۵۹، ۲۶۹.

۵. صحيح البخاري، ج ۲، ص ۲۱۴-۲۱۵؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۴۱۰؛ الكافي، ج ۴، ص ۳۴۵-۳۴۶.

۶. سنن الدارقطني، ج ۲، ص ۲۵۸؛ السنن البهقي، ج ۵، ص ۴۷.

۷. الاستذكار، ج ۴، ص ۱۵؛ معرفة السنن والآثار، ج ۴، ص ۷.

۸. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۸؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۶؛ حاشية رد المحتار، ج ۲، ص ۵۸۱.

۹. المبسوط في فقه الإمامية، ج ۱، ص ۳۱۷؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۵۹. ۲۵۷؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۵۲۱-۵۲۰.

۱۰. المغنی، ج ۳، ص ۳۱۰؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۶۳؛ موهاب الجليل، ج ۴، ص ۲۰۲.

۱۱. کتاب الحج، ج ۴، ص ۱۴۳؛ منتخب مناسك حج، ص ۱۱۹.

۱۲. المغنی، ج ۳، ص ۳۱۰؛ موهاب الجليل، ج ۴، ص ۲۰۲-۲۰۳.

حواشی الشروانی، ج ۴، ص ۱۶۵.

۱۳. مناسك حج، محسنی، امام خمینی، ص ۱۷۸-۱۷۹.

مفرده به جا آورده و همین عمل، برای زن حائض، مجزی از حج تمتع است.^۴ به نظر فقها حکم مذکور (وجوب انتظار) برای حالتی است که زن بداند پیش از وقوف به عرفات از خون پاک می‌شود. ولی اگر بداند تا آخر وقت پاک نمی‌شود یا ترس آن داشته باشد که پاک نشود، می‌تواند از همان ابتدا به حج افاده عدول کند.^۵

همچنین اگر زن در اثنای طواف، حائض شود، باید فوراً از مسجدالحرام خارج شود و به نظر فقها به استناد احادیث^۶، در صورتی که پیش از نصف طواف را به جا آورده باشد، باید بقیه طواف را رها نماید (و پس از پاک شدن آن را به اتمام برساند). سپس سعی و تقصیر را به جا آورده و در این صورت، عمره تمتع وی کامل است. اما اگر کمتر از نصف، طواف کرده باشد، چنانچه پیش از تمام شدن وقت عمره تمتع پاک شود، باید پس از غسل، طواف را اعاده کند و بقیه اعمال را به جا آورده و چنانچه تا آخر وقت پاک نشود، باید حج تمتع را به حج افاده تبدیل کند و پس از

تقصیر و رمی محدودیتی ندارند، اما برای انجام طواف و نماز آن، باید تا پس از پاک شدن از حیض یا نفاس صبر کنند.^۱ امر، با توجه به محدودیت زمانی اعمال حج، باعث شده آنان در برخی موارد احکام متفاوتی با مردان داشته باشند؛ مانند تبدیل حج تمتع به حج افراد، در صورتی که حیض یا نفاس، مانع خروج از احرام عمره و احرام بستن دوباره برای حج باشد.^۲ (← تبدیل حج / عمره^۳)

● وظیفه حائض و نفاسه: هر گاه زنی که حج تمتع انجام می‌دهد، پیش از طواف عمره تمتع حائض شود، باید تا زمان خروج برای عرفات صبر کند؛ اگر تا آن زمان عذر او برطرف نشود و طواف از وی فوت گردد، به نظر فقیهان به استناد احادیث^۴، باید به حج افراد عدول کند؛ یعنی نیت خود را از عمره تمتع -که مستلزم ورود به مسجد در آغاز عمل است- به حج افراد برگرداند و پیش از طواف، به عرفات و مشعر و منابود و طواف حج را تا بعد از پاک شدن از حیض، به تأخیر اندازد و پس از پایان حج، به جای عمره تمتع، عمره

۴. المبسوط في فقه الإمامية، ج، ۱، ص: ۳۳۱؛ السراج، ج، ۱، ص: ۵۶۲۳.
الحدائق الناضرة، ج، ۱۴، ص: ۳۴۰-۳۴۷.

۵. المختصر النافع، ص: ۷۹؛ المعتبر، ج، ۲، ص: ۷۸۳؛ کشف اللثام، ج، ۵، ص: ۲۷.
ع الکافی، ج، ۴، ص: ۴۴۸-۴۴۹.

۱. المبسوط في فقه الإمامية، ج، ۱، ص: ۳۳۱؛ غنية النزوع، ص: ۱۹۳.
۲. تذكرة الفقهاء، ج، ۷، ص: ۱۸۸؛ الحدائق الناضرة، ج، ۱۴، ص: ۳۴۰، ۳۴۷.
۳. الكافي، ج، ۴، ص: ۴۴۸-۴۴۵؛ من لا يحضره الفقيه، ج، ۲، ص: ۳۸۰-۳۸۳.

تصريح فقهاء، در تمامی احکام مذکور، حکم زن نفسه همانند حکم زن حائض است؛ زیرا زنان نفسه و زنان حائض، در اعمالی که بر آنان واجب است یا کارهایی که از گردن آنان ساقط می‌شود، برابر هستند.^۵

● **وظیفه مستحاصه:** به نظر فقیهان، به استناد احادیث^۶، زن مستحاصه، در صورتی که به وظایف استحاصه عمل نماید (يعني همان وظایفی که برای نماز دارد)، می‌تواند طواف کند و در مقام ابراهیم عليه السلام نماز طواف را به جا آورد؛ زیرا استحاصه مانع از صحت طواف نیست.^۷ مستحاصه کثیره باید تمام وظایفی را که برای نمازهای روزانه لازم است، برای طواف واجب و نماز آن نیز جداگانه انجام دهد. مگر این که از وقت غسل برای طواف، تا آخر نماز طواف، به نحوی پاک باشد که در باطن نیز آسودگی نباشد.^۸

● **تگرانی از حیض و نفاس:** حج گزار باید پنج عمل طواف، نماز طواف، سعی، طواف نسae و نماز آن را پس از اعمال منا به جا آورد و نمی‌تواند آنها را پیش از وقوف به عرفات ادا کند. اما به نظر مشهور، برخی بانوان

پاک شدن، ابتدا طواف ناقص عمره را تکمیل نموده، نماز بخواند و بعد بقیه طواف‌ها را به جا آورد.^۹ البته برخی فقیهان گفته‌اند که در این فرض، زن مخیر است بین این که به حج افراد عدول کند و بین این که اعمال عمره تمتع را بدون طواف و نمازش به جا آورد، سپس برای حج، احرام بسته و به حج بروند و پس از فراغت از حج و بازگشت به مکه، قضای طواف عمره را پیش از طواف حج به جا آورد. برخی فقهاء نیز اساساً تفاوتی میان ادای طواف کمتر یا بیشتر از نصف قائل نشده و بر آنند که در هر صورت، حج تمتع تبدیل به افراد می‌شود.^{۱۰}

نیز در صورتی که زن پس از پایان طواف و پیش از اقامه نماز طواف یا در بین نماز حائض شود، عمره وی صحیح است و باید پس از حصول طهارت و پیش از طواف حج، نماز طواف را قضا کند.^{۱۱} زنی که بعد از عمره تمتع و پیش از احرام حج، حیض بیند، تغییری در وظیفه او پیش نمی‌آید و باید برای حج تمتع محروم شود و به عرفات برود.^{۱۲}

۱. المبسوط فی فقہ الامامیه، ج ۱، ص ۳۳۱؛ تذکرة الفقهاء، ج ۸،

ص ۴۱۷-۴۱۶؛ الحدائق الناظر، ج ۱۴، ص ۳۴۷-۳۵۱.

۲. السراائر، ج ۱، ص ۳۳۳.

۳. المبسوط فی فقہ الامامیه، ج ۱، ص ۳۳۱؛ السراائر، ج ۱، ص ۶۲۳.

۴. مناسک حج، محسنی، ص ۲۲۰-۲۲۲.

۵. المغنی، ج ۳، ص ۲۶۱.

۶. الكافي، ج ۳، ص ۴۴۹.

۷. المبسوط فی فقہ الامامیه، ج ۱، ص ۳۳۱؛ السراائر، ج ۱، ص ۶۲۴.

۸. مناسک حج، محسنی، ص ۲۸۵.

آوردن و سپس سعی را به جا آورد. اگر تنها طواف نساء زن، باقیمانده باشد و حائض گردد، در حالی که نیمی از آن را پیش تر انجام داده باشد، فقهاء حج او را تمام دانسته و خروج از مکه را برای او جایز دانسته‌اند.^۴ به نظر فقهاء اهل سنت نیز زنی که پس از طواف افاضه حائض شود و تنها طواف وداع او باقیمانده باشد، لازم نیست برای طواف وداع صبر کند و می‌تواند از مکه خارج شود.^۵

● **پوشش در طواف:** به نظر فقیهان، بانوان باید در طواف، به جز صورت، به مقداری که در وضو شسته می‌شود و دست‌ها تا مچ، پوشش شرعی را رعایت کنند. بر این اساس، تفاوت پوشش در طواف با نماز این است که پوشاندن پاهای در نماز، در صورت نبودن نامحرم، واجب نیست. ولی در طواف، پوشاندن پاهای نیز مانند سایر قسمت‌های بدن، لازم است. البته به نظر برخی پوشش از نامحرم، هرچند واجب است، ولی شرط صحت طواف نیست. همچنین بیرون آوردن کتف و بازوی دست راست از لباس احرام (اصطدام^{*}) که به نظر فقیهان اهل سنت (جز مالکیان)^۶ برای مردها در طواف مستحب

می‌توانند این اعمال را پیش از اعمال منا به جا آورند: بانوانی که نگران اند پس از مناسک منا دچار حیض یا نفاس گردند.^۱ ولی اگر آنها را مقدم نکرد و حائض شد، باید پس از مناسک منا منتظر بماند تا عذر او برطرف شود.^۲ ولی اگر نتواند تا وقت پاک شدن در مکه بماند، باید برای طواف حج و نماز آن و طواف نساء و نماز آن، نایب بگیرد و سعی را خودش به جا آورد. البته در انجام این اعمال باید ترتیب رعایت شود؛ یعنی ابتدا نایب او طواف حج و نماز آن را به جا آورد، پس از آن، زن سعی را انجام دهد و سپس نایب وی، طواف نساء و نماز آن را به جا آورد. برخی فقیهان، اساساً مقدم کردن اعمال در صورت ترس از حیض را پذیرفته و تأکید کرده‌اند که اعمال حج، باید به ترتیب و در جای خود به جا آورده شود.^۳

همچنین مقدم داشتن طواف نساء و نماز آن بر سعی، در حال اختیار، جایز نیست؛ ولی زنی که خوف آن دارد حائض شود و نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند، می‌تواند پس از طواف حج و نماز آن، طواف نساء و نماز آن را به جا

۱. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۳۰-۳۳۱؛ المعتبر، ج ۲،

ص ۷۸۳؛ کشف اللام، ج ۵، ص ۲۷.

۲. الجامع للشرائع، ص ۲۲۲.

۳. السراون، ج ۱، ص ۶۲۴.

۴. الجامع للشرائع، ص ۲۲۲.

۵. المغنی، ج ۳، ص ۴۶۸؛ المجموع، ج ۸، ص ۲۸۴.

۶. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۰؛ المجموع، ج ۸، ص ۱۹؛ المغنی،

ج ۳، ص ۳۸۵.

نزدیک شدن به کعبه و استلام حجرالاسود
وجود دارد.^٩

▼ استلام: استلام حجرالاسود (دست

کشیدن بر حجرالاسود) و نیز بوسیدن آن، هر چند امری مستحب است، اما به نظر فقیهان امامی^{١٠} و اهل سنت^{١١}، به استناد احادیث^{١٢} از زنان برداشته شده است؛ زیرا این کار هم برای بانوان رحمت دارد و هم برای دیگران.^{١٣} به نظر برخی فقیهان اهل سنت، استلام در وقت خلوت بودن اطراف کعبه و شب‌هنگام برای زنان استحباب دارد.^{١٤} برخی فقهای امامی نیز استلام زنان را، در صورت ازدحام جمعیت، جایز نمی‌دانند.^{١٥}

▼ ورود به کعبه: فقیهان، به استناد احادیث^{١٦}، قائلند ورود به خانه کعبه یکی از مستحبات مورد تأکید برای مردان است. ولی برای بانوان تأکید ندارد، بلکه تنها استحباب و

است، برای زنان جایز نیست^١؛ زیرا آشکار ساختن اعضای بدن، با اصل پوشش بدن زنان، ناسازگار است.^٢

● **رَمَل:** فقیهان اهل سنت در طواف، «رمَل» (تند راه رفتن همراه با نزدیک بودن گام‌ها به یکدیگر^٣ یا به حرکت در آوردن کتف‌ها هنگام راه رفتن، مانند مبارزان در عرصه نبرد)^٤ را به دلیل حدیث پیامبر^٥ برای مردان مستحب شمرده^٦ ولی برای بانوان مستحب ندانسته‌اند.^٧ ولی بیشتر فقهای امامی، رمل را برای مرد و زن مستحب ندانسته‌اند.^٨

● **زمان طواف:** به نظر برخی فقیهان اهل سنت، مستحب است بانوان شب‌ها طواف کنند؛ زیرا طواف در شب، با پوشیدگی آسان مناسب‌تر است و همچنین در شب، ازدحام جمعیت کمتر است و برای زنان امکان

١. الحاوی الكبير، ج ٤، ص ٩٤؛ المجموع، ج ٧، ص ٣٦١.

٢. الام، ج ٢، ص ١٩٢؛ المبدع، ج ٣، ص ٢١٨؛ المجموع، ج ٨، ص ٤٠.

٣. المغنی، ج ٣، ص ٣٨٥-٣٨٦؛ شرح صحيح مسلم، ج ٩، ص ٧.

٤. المبسوط، سرخسی، ج ٤، ص ١٠؛ عون المعبود، ج ٥، ص ٢٣٦.

٥. فتح العزیز، ج ٧، ص ٣٢٥؛ بذائع الصنائع، ج ٢، ص ١٤٧.

٦. نک: بذائع الصنائع، ج ٢، ص ١٤٧؛ المجموع، ج ٨، ص ٤٣؛ العدة شرح العمد، ج ٣، ص ٢٠٢.

٧. الحاوی الكبير، ج ٤، ص ٩٤، ٩٢.

٨. تذكرة الفقهاء، ج ٨، ص ١٠٨-١١٠؛ مدارك الأحكام، ج ٨، ص ١٦١؛ الحدائق الناضرة، ج ١٦، ص ١٢٥-١٢٩.

٩. الحاوی الكبير، ج ٤، ص ٩٤؛ المجموع، ج ٧، ص ٣٦١.

١٠. احکام النساء، ص ٣٢؛ الحدائق الناضرة، ج ١٦، ص ١١٩-١٢٠.

١١. الحاوی الكبير، ج ٤، ص ١٣٦؛ المجموع، ج ٨، ص ٣٨-٣٧.

١٢. دعائیم الإسلام، ج ١، ص ٣٤؛ من لايحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٦٤.

١٣. المجموع، ج ٨، ص ٣٨.

١٤. المجموع، ج ٨، ص ٣٨.

١٥. المقنع، ص ٤٦؛ الحدائق الناضرة، ج ١٦، ص ١٢٠؛ جواهر

الكلام، ج ٩، ص ٢٣٦.

١٦. تهذیب الأحكام، ج ٥، ص ٤٤٨.

زنان ممنوع است. در حالی که برای مردان
جازیز شمرده شده است.^۸

▼ **وقوف در عرفات:** به نظر فقیهان اهل
سنّت، در وقوف به عرفات، مستحب است که
بانوان روی زمین و در حالت نشسته و نیز در
کناره‌های صحرای عرفات وقوف کنند. در
حالی که برای مردان، وقوف بر مرکب،
وقوف در حالت ایستاده و در محل صخره‌های
سیاه استحباب دارد.^۹

▼ **وقوف در مشعر:** اصل زمان وقوف در
مشعرالحرام (وقوف اختیاری) از طلوع فجر تا
طلوع آفتاب روز عید قربان است. اما با توجه
به دشواری حرکت از مشعر به منا و به ویژه
سختی اعمال روز عید قربان، بانوان می‌توانند
در شب عید قربان، پس از آن که قدری در
مشعرالحرام توقف کردند، پیش از فجر، به
طرف منا حرکت کنند و حتی رمی را که
یکی از اعمال روز عید است، شبانه به جا
آورند. این حکم به دلیل احادیث^{۱۰}، یکی از
مصاديق وقوف اخضراری و مورد اتفاق
فقیهان امامی^{۱۱}، و اهل سنّت^{۱۲} است.

فضیلت دارد.^{۱۳} برخی فقیهان افزوده‌اند که اگر
زن بخواهد وارد کعبه شود، باید در غیر اوقات
شلوغی و ازدحام وارد شود.^{۱۴} به نظر برخی
فقهاء به استناد برخی احادیث، ورود زن
مستحاصه به کعبه، در هیچ حالتی جائز نیست^{۱۵}
و به نظر برخی دیگر، مراد از این احادیث،
شدت کراحت است، نه حرمت؛ زیرا استحاصه
در حکم طهارت است.^{۱۶}

▼ **سعی:** از مستحبات سعی میان صفا و
مروه، «هروله» (یعنی تندرفن بدون دویدن)
در بخشی از سعی و بالا رفتن بر کوه صفات.
ولی این استحباب، بنا بر نظر فقیهان امامی^{۱۷} و
أهل سنّت^{۱۸}، ویژه مردان است و شامل بانوان
نمی‌شود. البته برخی فقیهان گفته‌اند که اگر
محل سعی برای بانوان خلوت باشد، هروله
کردن اشکالی ندارد.^{۱۹} همچنین به نظر فقیهان
أهل سنّت، سعی کردن در حال سواره برای

۱. السرافر، ج ۱، ص ۶۲۵.

۲. المبسوط في فقه الإمامية، ج ۱، ص ۳۳۱؛ السرافر، ج ۱، ص ۶۲۵.

۳. المبسوط في فقه الإمامية، ج ۱، ص ۳۳۱-۳۳۲؛ الجامع للشائع،

ص ۲۲۲.

۴. السرافر، ج ۱، ص ۶۲۵.

۵. غنية النزوع، ص ۱۹۳؛ الحدائق الناضرة، ج ۱۶، ص ۲۷۱-۲۷۴.

جواهر الكلام، ج ۱۹، ص ۴۲۳.

۶. الحاوی الكبير، ج ۴، ص ۹۵.

۷. الحاوی الكبير، ج ۴، ص ۹۵؛ المغني، ج ۳، ص ۴۰۴-۴۰۵.

۸. احكام النساء، ص ۳۳.

۸. الحاوی الكبير، ج ۴، ص ۹۵.

۹. الحاوی الكبير، ج ۴، ص ۹۴.

۱۰. الكافي، ج ۴، ص ۴۷۴-۴۷۵؛ تهذيب الأحكام، ج ۵،
ص ۱۹۴-۱۹۵.

۱۱. الحدائق الناضرة، ج ۱۶، ص ۴۴۴؛ مستند الشبيعه، ج ۱۲،
ص ۲۳۹-۲۴۰؛ جواهر الكلام، ج ۱۹، ص ۷۷-۷۸.

شمرده‌اند. برخی ذبح قربانی را توسط مرد مسلمان بالغ عاقل دانای به احکام، مستحب دانسته و در صورت نبودن وی، انجام آن را به عهده زن می‌دانند.^۶ برخی فقیهان اهل سنت نیز اساساً این استجواب را شامل بانوان ندانسته‌اند.^۷

حلق و تقصیر: بنا بر نظر فقیهان امامی^۸ و اهل سنت^۹ به استناد روایات^{۱۰}، سر تراشیدن که یکی از مناسک حج و عمره است^{۱۱} - ویژه مردان است و برای زنان جایز نیست. بلکه آنان باید به جای حلق، تقصیر کنند؛ یعنی مقداری از مو یا ناخن خود را بگیرند. (← حلق و تقصیر^{۱۲}) البته برخی فقهای اهل سنت، حلق را برای بانوان صرفاً مکروه دانسته و گفته‌اند که تقصیر برای آنان بهتر است.^{۱۳}

طوف نساع: مشهور و بلکه اکثريت قریب به اتفاق فقهای امامی، با استناد به اطلاق

- عند ذکرة الفقهاء، ج ٨، ص ٣١٧.
٦. الحاوي الكبير، ج ٤، ص ٩٥.
٧. المبسوط في فقه الإمامية، ج ١، ص ٣٣١؛ قواعد الأحكام، ج ١، ص ٤٤٤؛ الحدائق الناضرة، ج ١٧، ص ٢٢٦.
٨. المغني، ج ٣، ص ٤٥٧؛ بدائع الصنائع، ج ٢، ص ١٤١.
٩. المجموع، ج ٨، ص ١٩٤؛ ٢١٠.
١٠. سنن الدارمي، ج ٢، ص ٥٦٤؛ سنن أبي داود، ج ١، ص ٤٤١.
١١. تهذيب الأحكام، ج ٥، ص ٣٩٠.
١٢. مواهب الجليل، ج ٤، ص ١٨١؛ مستند الشيعه، ج ١٢، ص ٣٧٤.
١٣. جواهر الكلام، ج ٩، ص ٢٣٢.
١٤. الحاوي الكبير، ج ٤، ص ٩٥.

▼ **رمی:** به نظر تمامی فقهاء، بانوان می‌توانند در شب عید قربان، جمرة عقبه را رمی کنند؛ هرچند از رمی در روز ناتوان نباشد. این حکم اختصاص به رمی روز عید دارد و رمی جمرات، در روزهای بعد، باید مانند دیگران، از طلوع آفتاب تا غروب انجام شود و رمی در شب جایز نیست. مگر برای کسی که از رمی در روز ناتوان باشد؛ مانند زنی که به سبب زیادی جمعیت نمی‌تواند در روز رمی کند. البته برخی فقهاء بر آنند که چنین زنی باید برای رمی، در روز نایب بگیرد. همچنین به نظر فقهای اهل سنت، بالا بردن دست‌ها هنگام رمی که برای مردان مستحب شمرده شده است، برای بانوان استجوابی ندارد.^۲

▼ **قربانی:** برخی فقهاء^۳ به استناد برخی روایات^۴، قائل به استجواب ذبح قربانی توسط خود حج گزار یا حضور او در کنار نائب در هنگام ذبح بوده و در این مسئله فرقی میان زن و مرد نگذاشته‌اند. برخی هم به استناد برخی احادیث^۵، به صراحت، ذبح بانوان را جایز

١. المجموع، ج ٨، ص ١٢٥؛ المغني المحتاج، ج ١، ص ٥٠.
٢. الحاوي الكبير، ج ٤، ص ٩٥.
٣. جواهر الكلام، ج ١٩، ص ١٥٧.
٤. وسائل الشيعه، ج ١٠، ص ١٣٦؛ السنن الكبير، بیهقی، ج ٥، ص ٢٨٣.
٥. الكافي، ج ٤، ص ٤٩٧.

و سیله خوردن قرص، تزییق آمپول و مانند آن، برای عقب انداختن عادت ماهانه در ایام حج، چنانچه برای بدن ضرر نداشته باشد، جایز است. زنی که برای جلوگیری از عادت ماهانه قرص می‌خورد، چنانچه چیزی از او خارج شود و بداند که خون است، هرچند حداقل سه روز به طور مستمر و متصل به هم نباشد، حکم استحاضه را دارد و باید به وظیفه مُستحاضه عمل کند. همچنین زنی که به جهت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه اش به هم می‌خورد، به طوری که گاهی در مدت طولانی خون و لکه می‌بیند، اگر به گونه‌ای است که خون حداقل سه روز استمرار دارد- هرچند بیرون نیاید، ولی در داخل آلوده به خون باشد- حکم حیض دارد. ولی اگر کمتر از سه روز ادامه دارد، یا به طور مستمر نیست، یعنی گاهی آلودگی وجود دارد و گاهی وجود ندارد، باید به وظایف مُستحاضه عمل کند.^۷

افساد حج: در صورت فاسد شدن حج به سبب آمیزش^{*}، به نظر فقیهان امامی^۸ و اهل سنت^۹، فرقی میان زن و مرد نیست.

۷. مناسک حج، محشی، ص ۲۸۳-۲۸۷. ۸. المبسوط في فقه الإمامية، ج ۱، ص ۳۳۶: الدروس الشرعية، ج ۱، ص ۴۷۵-۴۷۶. ۹. بذائع الصنائع، ج ۲، ص ۲۱۷.

نصوص، قاعده اشتراک (اشتراک زن و مرد در احکام) و احادیث خاص، بر آنند که طوف نسae و نماز آن، علاوه بر مردان، بر زنان و حتی کودکان نیز واجب است و تا زمانی که حج گزار زن طوف نسae را به جا نیاورد، شوهرش بر او حلال نیست و اگر ازدواج نکرده باشد، ازدواج برای او حرام است.^۱ تنها علامه حلی در این باره مناقشه کرده^۲ و حرمت مرد بر زن، در صورت ترک طوف نسae توسط زن را بی‌دلیل دانسته است.^۳ (طوف نسae^{*})

▼ تکبیر: از مستحبات حج در ایام تشریق (یازدهم تا سیزدهم ذی حجه) به نظر فقیهان امامی^۴ و اهل سنت^۵، گفتن تکبیرهای مخصوص است. (← تکبیر^{*}) به تصریح برخی فقیهان، بانوان باید این تکبیرها را با صدای آهسته بگویند.^۶

▼ جلوگیری از عادت ماهانه: به نظر برخی فقیهان، جلوگیری از عادت ماهانه (به

۱. کشف اللثام، ج ۶، ص ۲۲۷؛ الحدائق الناضرة، ج ۱۶، ص ۱۸۴-

۲. جواهر الكلام، ج ۱۹، ص ۲۵۹-۲۶۰.

۳. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۴۵.

۴. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۳۰۰-۳۰۱.

۵. السراج، ج ۱، ص ۳۱۹؛ جواهر الكلام، ج ۲۰، ص ۳۴-۳۵.

۶. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۱۷۱-۱۷۲؛ المبسوط، سرخسی، ج ۲،

ص ۴۳-۴۴؛ المغنی، ج ۳، ص ۴۸۳.

۷. الجامع للشرائع، ص ۲۲۲.

صورت نیابت او از سوی مرد—افزوده اند:^۵
 صرُورَه نبودن زن (بار اولی نباشد که حج انجام می‌دهد) و آگاه بودن به مسائل حج. ولی فقیهان دیگر با خدشه سندي در روایات مذکور و به استناد عمومیت سایر احادیث و نیز روایات خاص، مبنی بر صحبت حج زن از طرف خواهر، برادر و پدر یا مردان دیگر، این شروط را نذیرته یا آنها را حمل بر استحباب کرده‌اند.^۶ به تصریح فقیهان، زنان که در شب عید قربان، بعد از درک وقوف اضطراری مشعر به منامی‌رونده، این کار عذر محسوب نمی‌شود و آنان هم می‌توانند نایب شوند.^۷

◀ منابع

احکام النساء: شیخ مفید محمد بن محمد بن النعمان (٤١٣-٣٣٦ق)، تحقیق مهدی نجف، بیروت، دار المفید، ١٤١٤ق؛ الاستذکار (الجامع لمذاهب فقهاء الامصار و علماء الاقطار فيما تضمنه الموطأ من معانی الرأى و الآثار و شرح ذلك كله بالايجاز والاختصار): یوسف بن عبدالله بن عبدالبر (٤٦٣-٣٦٨ق)، به کوشش

مشروط بر آن که هر دو راضی به مبادرت باشند. از این رو چنانچه زن از روی اختیار و با رضایت، حج خود را فاسد کند، هزینه کفاره و مخارج حج قضا بر عهده خود اوست و تنها معادل نفقه حَصْر بر عهده شوهر او خواهد بود ولی اگر زن احرام گزار راضی به آمیزش نبوده و شوهرش او را مجبور به مبادرت کرده باشد، اعمال او صحیح است و قضا بر عهده‌اش نخواهد بود.^۱

▼ نیابت زن: به نظر تمامی فقیهان امامی و اهل سنت، با این که زن و مرد در برخی احکام حج متفاوت‌اند، یکسانی میان نایب و منوب عنه در جنسیت، در حج نیابتی شرط نیست و همان گونه که مرد می‌تواند به نیابت از مرد و زن حج گزارد، زن نیز می‌تواند برای ادائی حج، نایب زن یا مردی شود. به نظر مشهور فقهاء، شرایط نیابت زن همان شرایط نیابت مرد است (مانند بلوغ، عقل و بر عهده نداشتن حج واجب).^۲ (← نیابت)^۳ برخی فقیهان، به استناد برخی روایات^۴، دو شرط دیگر برای نیابت زن—به گونه مطلق یا تنها در

۵. المهدی، ج ١، ص ٢٦٩؛ نک: الحدائق الناصرة، ج ١٤، ص ٢٥١-٢٥٤.

۶. السرایر، ج ١، ص ٥٣٠-٥٣٢؛ تذكرة الفقهاء، ج ٧، ص ١١٩-١٢٠؛ مدارك الأحكام، ج ٧، ص ١١٦-١١٧.

۷. مناسك حج، محسني، ص ٨٢.

۱. المبسوط في فقه الإمامية، ج ١، ص ٣٣٠؛ السراير، ج ١، ص ٦٢٢-٦٢٣.

۲. تذكرة الفقهاء، ج ٧، ص ١١٨؛ مسالك الأفهام، ج ٢، ص ١٦٧.

۳. السراير، ج ١، ص ٦٣٠-٦٣٢.

۴. الكافي، ج ٤، ص ٣٠٦؛ تهذيب الأحكام، ج ٥، ص ٤١٤.

الماوردي (م. ٤٥٠ق.)، به كوشش على محمد عوض و عادل احمد عبدالمحجود، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٤ق؛ **الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة**: يوسف بن احمد البحرياني (م. ١١٨٦ق.)، تحقيق محمد نقى ايروانى و على آخوندى، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٣٩٣ش؛ **حواشى العلامتين عبدالحميد الشروانى و احمد بن قاسم العبادى على تحفة المنهاج بشرح المنهاج ابن حجر الهيثمى**: الشروانى (م. ٩٩٤ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، بي تا؛ **الدروس الشرعية في فقه الامامى**: محمد بن مكى (م. ٧٨٦ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٢ق؛ **دعائم الاسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الاحكام**: نعمان بن محمد المغربي (م. ٣٦٣ق.)، تحقيق اصف بن علي اصغر فيضى، قاهره، دار المعارف، ١٣٨٣ق؛ **رياض المسائل في بيان احكام الشرع** بالدلائل؛ سيد على طباطبائى (م. ١٢٣١ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٢ق؛ **السرائر الحاوی لتحرير الفتاوى**: محمد بن احمد بن ادريس (م. ٥٩٨ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١١ق؛ **سنن ابن ماجه**: محمد بن زيد الربيعى ابن ماجه (م. ٢٧٥ق.)، به كوشش محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٣٩٥ق؛ **سنن ابى داود**: ابوسادود سليمان بن الاشعث (م. ٢٧٥ق.)، تحقيق و تعليق سعيد محمد اللحام، بيروت، دار الفكر، ١٤١٠ق؛ **سنن السدارقطنى**: على بن عمر السدارقطنى (م. ٣٨٥ق.)، به كوشش منصور بن سيد الشورى، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٧ق؛ **سنن الدارمى**: عبدالله بن عبدالرحمن الدارمى (م. ٢٥٥ق.)، دمشق، مطبعة الاعتدال، ١٣٤٩ق؛ **السنن الكبرى**: احمد بن الحسين البهقى

سالم محمد عطا و على محمد عوض، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢١ق؛ **الام**: محمد بن ادريس الشافعى (م. ٢٠٤ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٣ق؛ **البحر الرائق (شرح كنز الدقائق)**: زين الدين بن ابراهيم بن نجيم (م. ٩٧٠ق.)، تحقيق زكريا عميرات، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٨ق؛ **بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع**: ابوبكر بن مسعود الكاشانى (م. ٥٨٧ق.)، پاكستان، المكتبة الحسينية، ١٤٠٩ق؛ **تحrir الاحكام الشرعية على مذهب الامامى**: حسن بن يوسف حلى (٧٢٦-٦٤٨ق.)، به كوشش ابراهيم بهادرى، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق، ١٤٢٠ق؛ **تحفة الفقهاء**: محمد بن احمد السمرقندى (م. ٩٥٣-٥٣٥ق.)، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٤ق؛ **تذكرة الفقهاء**: حسن بن يوسف حلى (٧٢٦-٦٤٨ق.)، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ١٤٢٣-١٤١٤ق؛ **تهذيب الاحكام في شرح المقنعة للشيخ المفيد**: محمد بن حسن الطوسي (٣٨٥-٤٦٠ق.)، به كوشش سيد حسن موسوى خرسان و على آخوندى، تهران، دار الكتب الاسلامية، ١٣٦٥ش؛ **الثمر الدانى على رسالة القىروانى**: صالح بن عبدالله الأبى الإزهرى (م. ١٣٣٠ق.)، بيروت، مكتبة الثقافية، بي تا؛ **الجامع للشرائع**: يحيى بن سعيد حلى (٦٠١-٩٦٠ق.)، قم، مؤسسه سيد الشهداء، ١٤٠٥ق؛ **جوواهر الكلام في شرح شرائع الاسلام**: محمد حسين نجفى (م. ١٢٦٦ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، بي تا؛ **حاشية رد المحتار على الدر المختار**: شرح التنوير الابصار في فقه مذهب الامام ابى حنيفة النعمان، محمد امين بن عابدين (م. ١٢٥٢ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ **الحاوى الكبير في فقه مذهب الامام الشافعى**: على بن محمد

كتاب الحج: ابوالقاسم خوبي (١٤١٣م.ق)، قسم، لطفي، ١٤٠٩ق؛ كشاف القناع عن متن الاقناع: منصور بن يونس البهوتى (١٠٥٢م.ق)، به كوشش محمد حسن محمد اسماعيل شافعى، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ق؛ كشف اللثام: محمد بن الحسن الفاضل الهندي (١١٣٧م.ق)، نشر الاسلامي، ١٤١٦ق؛ المبدع شرح المقنع، ابراهيم بن محمد ابن مفلح (٨٤٤م.ق)، تحقيق محمد حسن، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ق؛ المبسוט فى فقه الاماميه: محمد بن حسن الطوسي (٣٨٥-٤٦٠ق)، به كوشش محمد باقر بهبودي و سيد محمد تقى كشفي، تهران، مكتبة المرتضويه، ١٣٥١ش؛ المبسוט: محمد بن احمد السرخسي (٤٨٣م.ق)، بيروت، دار المعرفه، ١٤٠٦ق؛ مجمع الزوائد و منبع الفوائد: على بن ابي بكر البهشمى (٨٠٧م.ق)، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٤٠٨ق؛ مجمع الفائدة و البرهان فى شرح ارشاد الاذهان: مقدس اربيلى احمد بن محمد (٩٩٣م.ق)، به كوشش محتوى عراقي و حسين يزدي و على پناه اشتهرادي (١٢٩٦-١٣٨٧م.ق)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٠٣ق؛ المجموع شرح المهدب: يحيى بن شرف النسوى (٦٣١-٧٦٧م.ق)، بيروت، دار الفكر، المختصر النافع فى فقه الاماميه (النافع فى مختصـر الشـرائع): جعفر بن حسن محقق حلـى (٦٠٢-٧٦٠م.ق)، تهران، بنـيـاد بـعـثـتـ، ١٤١٠ق؛ مخـلـفـ الشـيعـهـ فـيـ اـحـکـامـ الشـرـيعـهـ: حـسـنـ بـنـ يـوسـفـ حلـىـ (٧٢٦-٦٤٨م.ق)، قـمـ، دـفـتـرـ اـنـتـشـارـاتـ اـسـلـامـيـ، سـيدـ مـهـمـدـ بـنـ عـلـىـ مـوـسـوـىـ عـاـمـلـىـ (٩٥٦-١٠٠٩م.ق)، قـمـ، مؤـسـسـةـ آـلـ الـبـيـتـ لـاحـيـاءـ التـرـاثـ، ١٤١٠ق؛ المدونة الكبرى: روايت سحنون بن سعيد التنوخي عن عبدالرحمن بن قاسم عن ابى عبدالله مالك بن

سنن النسائي: احمد بن علي النسائي (٢١٥-٣٠٣ق)، تحقيق صدقى جميل العطار، بيروت، دار الفكر، ١٣٤٨ق؛ شرائع الاسلام فى مسائل الحال و الحرام: جعفر بن حسن محقق حلـىـ (٦٠٢-٦٧٦م.ق)، به كوشش سيد صادق شيرازى، تهران، انتشارات استقلال، ١٤٠٩ق؛ الشرح الكبير: ابوالبركات احمد بن محمد الدردير (١٢٠١م.ق)، مصر، دار احياء الكتب العربية؛ شرح الكبير: عبدالرحمن بن قدامه (٨٢٤م.ق)، بيروت دار الكتب العربي؛ شرح صحيح مسلم، يحيى بن شرف النسوى (٦٣١-٦٣٦م.ق)، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٤٠٧ق؛ صحيح البخاري: محمد بن اسماعيل البخاري (٢٥٦م.ق)، به كوشش عبدالعزيز بن عبدالله بن باز، بيروت، دار الفكر، ١٤٠١ق؛ العدة في شرح العمدة: عبدالرحمن بن ابراهيم المقدسى (٢٤٢م.ق)، قاهره، دار الحديث، ١٤٢٤ق؛ عيون المعبد (شرح سنن ابى داود): ابى الطيب محمد شمس الحق العظيم آبادى (١٣٢٩م.ق)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٥ق؛ غنية النزوع: حمزة بن على بن زهرة الحلبي (٥٨٥م.ق)، تحقيق ابراهيم بهادرى، قم، مؤسسـهـ اـمـامـ صـادـقـ اـلـيـاـلـ، ١٤١٧ق؛ فتح العزيز: عبدالكريم بن محمد رافعى قروينى (٢٣٢م.ق)، دار الفكر، قواعد الاحكام فى معرفة الحال و الحرام: حسن بن يوسف حلـىـ (٦٤٨-٧٢٦م.ق)، قـمـ، دـفـتـرـ اـنـتـشـارـاتـ اـسـلـامـيـ، ١٤١٣ق؛ الكافي فى الفقه: ابوالصلاح نقـىـ الدين الحلبي (٤٤٧م.ق)، تحقيق استادى، اصفهان، مكتبة امير المؤمنين [عليها السلام]، ١٤٠٣ق؛ الكافي فى فقه الامام احمد: عبدالله بن قدامه (٢٠٠م.ق)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٤ق؛ الكافي: محمد بن يعقوب كلينى (٣٢٩م.ق)، به كوشش على اكبر غفارى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٧٥ش؛

خمینی (م.١٣٦٨ش)، تهران، مشعر، ١٣٨١ش؛ مناسک حج و عمره: محمد تقی بهجت (م.١٤٣٠ق.)، قم، شفق، ١٤٢٤ق؛ منتخب مناسک حج: سید روح الله خمینی (م.١٣٦٨ش)، تهران، مشعر، ١٤٢٦ق؛ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب: حسن بن یوسف حلی (٦٤٨ق.٧٢٦-٧٢٦ق.)، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ١٤١٤ق؛ مهدب الاحکام فی بیان الحال و الحرام: سید عبدالاعلی سبزواری (م.١٤١٤ق.)، مکتبة آیه الله سبزواری، ١٤١٦ق؛ المهدب: عبدالعزیز بن نحریر البراج (م.٤٨١ق.)، تحقیق موسسه سید الشهداء، قم، نشر اسلامی، ١٤٠٦ق؛ مواهب الجليل: محمد بن محمد الحطاب الرعینی (م.٩٥٤ق.)، تحقیق زکریا عمیرات، بیروت، دار الكتب العلمیه، ١٤١٦ق؛ وسائل الشیعه (تفصیل وسائل الشیعه)؛ محمد بن الحسن تحصیل مسائل الشریعه: محمد بن الحسن الحر العاملی (١١٠٤-١٠٣٢ق.)، به کوشش عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٣ق.

سعید گلاب‌بخش



حج بذلی: حج واجب شده با پرداخت هزینه آن از سوی دیگری

حج بذلی که از دو واژه «حج» به معنای قصد^۱ و «بذل» (نقیض منع و بازاری) به

۱. مقایس اللہ، ج. ۲، ص. ۲۹، «حج»؛ لسان العرب، ج. ۲، ص. ۲۲۶، «حج».

انس، قاهره، دار السعاده، بی‌تا؛ مسالک الافهام الى تقبیح شرائع الاسلام: زین الدین بن علی، شهید ثانی (٩٦٦-٩١١ق.)، قم، انتشارات معارف اسلامی، ١٤١٦ق؛ مستمسک العروة الوثقی: سید محسن حکیم (م.١٣٩٠ق.)، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ١٤٠٤ق؛ مستند الشیعه فی احکام الشریعه: احمد بن محمد مهدی النراقی (١١٨٥-١٢٤٥ق.)، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ١٤١٥ق؛ مسند الامام احمد بن حنبل: احمد بن حنبل (م.٢٤١ق.)، بیروت، دار الصادر، بی‌تا؛ المعتبر فی شرح المختصر: جعفر بن حسن محقق حلی (٦٠٢-٦٧٦ق.)، قم، انتشارات سید الشهداء، ١٣٦٤ش؛ المعتمد فی شرح المناسک: (كتاب الحج: محاضرات الخویی): به کوشش محمدرضا موسوی خلخالی، قم، انتشارات دار العلم / مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، ١٤١٠ق؛ معرفة السنن والآثار: احمد بن الحسین البهیقی (م.٤٥٨ق.)، تحقیق کسریوی حسین، بیروت، دار الكتب العلمیه؛ مغنى المح الحاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج: محمد بن احمد الشریینی (م.٩٧٧ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٣٧٧ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م.٤٢٠ق.)، بیروت، دار الكتب العربی؛ المقنون: محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (٣٨١-٣٨١ق.)، قم، انتشارات مؤسسه الامام الہادی، ١٤١٥ق؛ المقنونه: شیخ مفید محمد بن محمد بن النعمان (٤١٣-٣٣٦ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٠ق؛ من لا يحضره الفقيه: محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (٣٨١-٣٨١ق.)، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ١٤٠٤ق؛ مناسک حج (المحسنی): سید روح الله